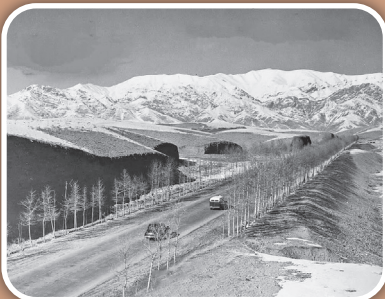


تهران مصور

خیابان ولیعصر، ۷۵ سال پیش

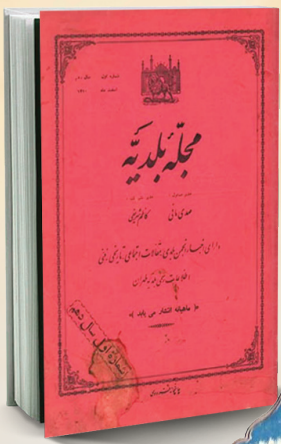


عکسی که مشاهده می کنید تصویری تاریخی از خیابان ولیعصر تهران در سال ۱۳۲۹ است که به عنوان یکی از اصلی ترین معابر شهر تهران از دیرباز مطرح بوده و نقش مهمی در زندگی روزمره شهروندان و همچنین جاذبه گردشگری این کلانشهر ایفا کرده است. اکنون خیابان ولیعصر با تغییر و تحولات زیادی مواجه شده، اما همواره یادآور تاریخ و فرهنگ غنی تهران است. تصاویر و اسناد تاریخی این خیابان به خوبی نشان دهنده توسعه شهری و اجتماعی در خلال دهه های گذشته است و می تواند منبعی برای پژوهشگران و علاقه مندان به تاریخ تهران باشد. این خیابان بعد از جاده قدیم شمیران که امروزه خیابان شریعی نام دارد، دومین مسیر اصلی برای رسیدن به شمیران و روستاهای اطراف آن بوده است.

تصاویر و اسناد تاریخی خیابان ولیعصر به خوبی نشان دهنده توسعه شهری و اجتماعی در خلال دهه های گذشته است و می تواند منبعی برای پژوهشگران و علاقه مندان به تاریخ تهران باشد.

تهران نامه

اولین مجله رنگی در تهران



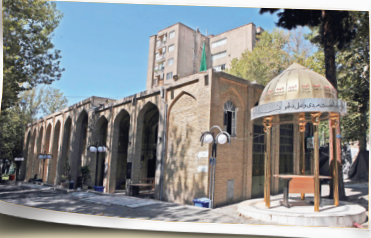
انتشار مجله و روزنامه در تهران از سال ۱۳۰۰ شمسی با انتشار روزنامه هایی که صفحات چاپی و گزارش های رنگی داشت اوج گرفت که یکی از این روزنامه ها «بلدیه» بود. حمید ناصری، پژوهشگر تاریخ بلدیه در این باره می گوید: «روزنامه «بلدیه» در اوج انقلاب مشروطه و هنگام تصویب قانون بلدیه در سال ۱۲۸۶ شمسی منتشر شد و مدیریت آن به عهد مرتضی موسوی و میرزا ابوالقاسم همدانی بود. این روزنامه ابتدا ۸ صفحه داشت و فقط ۱۷ شماره دوم آورد. بعد از تعطیلی روزنامه «بلدیه»، در سال ۱۳۰۱ و از طرف اداره بلدیه تهران، مجله ای با همین نام منتشر شد که هنوز برای بسیاری از پژوهشگران منبع اطلاعاتی قابل اعتنایی به حساب می آید.» مجله «بلدیه» در عمارت بلدیه در حوالی میدان سپه قدیم و امام خمینی (ره) فعلی منتشر می شد و آرام آرام به ارگان رسمی مدیران شهری تهران تبدیل شد. مطالب این نشریه حاوی اخبار انجمن های بلدیه، مقالات تاریخی- اجتماعی و خبرهای روز بلدیه تهران بود که با جلد رنگی و گزارش هایی از فضای شهری تهران در چایخانه فردوسی به چاپ می رسید. ناصری درباره اهمیت و جایگاه مجله «بلدیه» می گوید: «مطبوعات تهران می گوید: «مرحوم عبدالله انوار، نسخه شناس و تهران پژوه معاصر همواره از بلدیه به عنوان منحصربه فردترین نشریه تاریخ معاصر نام می برد. استاد انوار معتقد بود اطلاعات این مجله پاسخگوی محققان و پژوهشگران حوزه تهران شناسی است و اطلاعات مهمی درباره تهران سال های ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ به مخاطب می دهد.» مجله «بلدیه» در ۱۰۰ صفحه منتشر می شد و عنوان نخستین مجله رنگی پایتخت را یدک می کشید. چاپ است که ۷۰ سال بعد و در آذر سال ۱۳۷۱ روزنامه همشهری به عنوان نخستین روزنامه تمام رنگی در تهران منتشر شد و این نقطه مشترک بلدیه از نسل نخست روزنامه های تهران و همشهری به عنوان نماینده نسل جدید نشریات پایتخت به شمار می رود.

باغ های شیرین تهران

گشت و گذار در محله چند صد ساله طرشت که درختان کهن توت و باغ های باصفایش شهره شهر است

سیدمروش طباطبایی پور

این روزها تهران است و توت هایش؛ یعنی معمولاً این موقع از سال، تهرانی ها سر به هوا می شوند و در هر کوی و برزنی، رد درخت ها را می گیرند تا اگر پای توتی در میان باشد، تنه ای به تنه درخت بزنند تا درخت شیرین، تعدادی از توت های توی مشتش



بقعه شیخ



نشانه های قاجار



محله ای به قدمت توت هایش

در این محله، بوستانی مصفا به نام بوستان طرشت هست که در آن بقعه ای به چشم می آید که به ما قدمت محله را یادآور می شود. مقبره عالم و محدثی شیعی به نام شیخ عبدالله طرشتی که در قرن ششم قمری در این محله می زیسته، از شاگردان شیخ طوسی بوده و در همین جا به خاک سپرده شده است. سبک بنای مربعی شکل بقعه و نمای آجری ساده آن، شیوه بناهای عهد صفوی را به یاد ما می آورد و البته تاریخ سنگ قبرهای به جای مانده در اطراف بقعه نیز همین موضوع را تأیید می کند. می گویند این بوستان، در دوره شیخ، بوستانی وسیع بوده که حالا به بوستانی با چند درخت توت کهنسال در اطراف بقعه تبدیل شده است. البته این روزها بنای قدیمی شیخ کمی توسعه یافته و در این بوستان، کتابخانه ای هم به همین نام ساخته شده است.

روستای طرشت با وجود توستان ها و آب و هوای مطبوعش چندان باب دل درباریان قاجار نبود و تنها از این روستا، برای رسیدن به روستای کن استفاده می کردند. به همین خاطر در این محله، چندان ردی از عهد قاجار باقی نمانده است. شاید تنها نشانه، باغی به نام باغ اسکندری باشد که به دستور فتحعلی شاه قاجار ساخته شده و در آن قناتی هم وجود داشت که به خاطر ساخت و ساز، کور و بی آب شده و دیگر نشانی از آن باقی نمانده است. البته طرشت، ۴ قنات دیگر هم داشت که تنها ۲ قنات در آن همچنان جوشان است. یکی از قنات های این محله، اکنون بوستان پردیسان و دیگری بوستان نهج البلاغه را سیراب می کند.



قطب آموزش صنعت

قرار بود در زمان پهلوی اول، به خاطر توسعه صنعتی کشور و لزوم تربیت دانش اموختگانی در این زمینه، دانشگاهی صنعتی در تهران تأسیس شود. برای ساخت چنین دانشگاهی، زمین های گوناگونی هم در نظر گرفته شد، اما زمینی وسیع در محله طرشت انتخاب و دستور ساخت آن در پاییز سال ۱۳۴۴ صادر شد. البته که محله طرشت، قبل از تأسیس دانشگاه صنعتی شریف هم محل پرورش بزرگان علم و ادب بود، اما بعد از ساخت این دانشگاه، پای دانشجویان برتر کشور در حوزه صنعت به این محله باز شد و کفه علم را در این محله سنگین تر کرد. محمدعلی مجتهدی گیلانی، همان مدیر دبیرستان البرز تهران، یکی از بنیانگذاران اصلی این دانشگاه بود که برای سامان دادن به این مرکز علمی تلاش های فراوانی کرد. یکی از بناهای قابل توجه در این دانشگاه، مسجد دانشگاه است که به سبک معماری عهد صفوی ساخته شده و دانشجویان و استادان از حدود سال ۱۳۶۴، با وجود نیمه کاره بودن، در آن نماز اقامه می کردند. سردر دانشگاه هم شهرپور سال ۱۳۶۹، به مناسبت پنجاهمین سالگرد تأسیس این دانشگاه نوسازی شد.



پل معروف طرشت

تصویر اول، مربوط به سال ۱۳۴۸ است و تقاطع خیابان تاج با ستارخان کنونی را با خیابان طرشت یا بزرگراه شیخ فضل الله کنونی نشان می دهد و عکس دوم، همین مکان را در سال ۱۳۵۳ به تصویر کشیده است؛ آن روزهایی که در حال ساخت پل سواره روی این تقاطع بودند. این پل با مساحت ۹۵۱ مترمربع، پلی سه دهانه است که طول کل عرشه آن به ۱۰۱ متر می رسد و بر اساس مطالعات انجام شده در مرکز مطالعات شهرداری تهران، پل ستارخان یکی از مهم ترین پل های تهران از دیدگاه شریان های حیاتی شهر به شمار می آید.



میدانی برای گفت و گو

از برخی نام ها در برخی محله ها نباید به راحتی گذشت؛ مثلاً در محله طرشت جنوبی، کوچه ای هست به نام شاه قاسم که در گذشته، میدانی به این نام بوده است. اینکه شاه قاسم که بودو چرا نامش را بر این میدان با کوچه گذاشتند، البته موضوعی تاریخی است که چندان هم در آن اتفاق نظر وجود ندارد، اما موضوعی مهم تر که قدیمی های محله طرشت به آن می نازند، آن است که در گذشته های دور، باغداران محله طرشت برای تبادل نظر و مشورت، در میدان شاه قاسم دور هم جمع می شدند و درباره موضوع های مهم با هم مشورت می کردند. همین موضوع نشان فرهنگ بالادر محله طرشت است.

تهران گرام

کوچه صد تومانی ها در قلب تهران



عکس: همشهری امیر پناهور

هر روز صدها تن مواد غذایی از مغازه های اطراف میدان محمدیه به مناطق مختلف تهران و شهرهای دیگر منتقل می شود. تقریباً تمامی خانه هایی هم که در کوچه های اطراف این میدان قرار دارند به انبار مواد غذایی تبدیل شده اند که روزگاری سکونتگاه پولدار های پایتخت بود؛ مثل کوچه صد تومانی ها. ناصرالدین شاه از ارگ سلطانی خود را بازسازی کرد، دستور داد در بناهای اطراف آن هم افراد متمول ساکن شوند، چون معتقد بود نباید تفاوت فاحشی بین ارگ و ساختمان های اطرافش وجود داشته باشد. دستور ناصرالدین شاه سبب شکل گیری کوچه هایی مثل حاجی ها و صد تومانی ها در تهران شد که اشراف و رجال و تاجران صاحب نام در آنها خانه سازی کردند. کوچه صد تومانی ها یا کوچه «تخت پل» که سال ها است به شهید محمد یختیاری تغییر نام داده، از دیگر معابر ی بود که پولدارها در آن زندگی می کردند. خانه های این کوچه بین ۸۰۰ تا ۲۵۰۰ مترمربع مساحت داشت و در هر خانه اصطبل کوچکی برای نگهداری اسب و قاطر ساکنان خانه بود. درباره علت نامگذاری این کوچه ۳ روایت وجود دارد؛ نخست اینکه این کوچه در زمان قاجاریه محل زندگی تاجران بازار بوده که سرمایه هر کدام از آنها ۱۰۰ تومان بود که آن زمان سرمایه زیادی بود. روایت دوم این است که خانه های این کوچه چنان اشرافی و پرزرق و برق ساخته شده بود که ارزش هر کدام به ۱۰۰ تومان می رسید. نظر سوم که مرحوم جعفر شهری در کتاب «طهران قدیم» به آن اشاره کرده، سکونت یک تاجر در این کوچه بوده که سرمایه اش در زمان قاجار ۱۰۰ تومان بوده است. البته بعدها تاجران دیگری در این کوچه ساکن شدند و اینجا به سکونتگاه ثروتمندان تبدیل شد. کوچه صد تومانی ها، کمی بالاتر از میدان محمدیه، درست همجوار با بازار تهران قرار دارد؛ کوچه ای باریک و بلند همجوار با بازار دروازه نو که حالا تغییر چهره داده و دیگر خیری از سکونت تاجران سرمایه دار در آن نیست. خانه های ویلایی به آپارتمان تبدیل شده اند و در بیشتر خانه ها کالاهای و مواد غذایی مغازه داران نگهداری می شود.

سوزه روز

دوروی سکه اوقات فراغت



زنگ تابستان از پایان همین هفته، برای تمامی دبستانی ها و در هفته های بعد، برای دبیرستانی ها نواخته می شود و دوره ای به نام «اوقات فراغت» چیزی حدود ۱۵ میلیون نوجوان آغاز خواهد شد. اوقات فراغت البته دوروی سکه دارد؛ روی اول، همان است که بچه ها از فشار درس و مشق و مدرسه راحت می شوند، تا لنگ ظهیر می خوانند و بله و رها، از تفریح در گرمای تابستان لذت می برند و روی دیگرش، آن است که این ۱۵ میلیون، هفته اول را استراحت می کنند، هفته دوم را توی محل می چرخند، هفته سوم را هم بیکار خواهند بود، اما هفته چهارم را چه کنند؟ البته برخی مدرسه ها، تابستان بچه ها را دوباره با کلاس های تست فیزیک، شیمی و ریاضی بر می کنند که برای آنها هزار ویگ دلیل می تراشند، اما ما به عنوان والدین فرزندانتان نباید فراموش کنیم که بچه های ما در آینده، احتیاج به آموختن مهارت هایی دارند که اغلب مدرسه، از پس آموزش آنها بر نمی آید؛ مثلاً مهارت دوجرخه سواری آن هم در فضاهای مناسب شهری که برای این ورزش مفرح در نظر گرفته شده، یا مهارت خرید میوه، یا مهارت نشست و برخاست با بچه های محل؛ بد نیست بدانید نوجوان، مثل چشمه ای جوشان است که اگر مسیر عبورش را هموار نکنید، او حتی از بیراهه، به سوی جلو پیش خواهد رفت و هیچ مانعی هم جلودارش نیست.